

آثار مال حلال

□ سید زکی موسوی *

□ عبدالحکیم رحیمی **

چکیده

مقاله حاضر با عنوان (آثار مال حلال در زندگی) سعی در تبیین تأثیرات مال حلال در زندگی دنیوی و اخروی از نظر منابع دینی دارند. هدف از این نوشتار آشنایی خوانندگان با آثار مال حلال در زندگی دنیوی و اخروی است. جهت تدین مطالب روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع آیات و روایات مورد استفاده قرار گرفته است. مال حلال آثار ذیل را در زندگی دنیوی و اخروی دارند. گرامی شدن نزد خداوند، باز شدن درهای بهشت، برکت در مال، تقویت دینداری، نورانیت دل و چهره، مورد حمایت خداوند، استجاب دعا، توفیق الهی بر انجام اعمال صالح، برخورداری از مقام مجاهد، افزایش رزق، اولاد صالح، استعفار فرشتگان برای حلال خوردن، تکامل انسان، آمرزش گناه هان و رشد معنوی. در آخر حج بذلی مورد بحث و مذاقه علمی قرار گرفت، بعد از بیان اقوال و روایات به این نتیجه رسیدم که حج بذلی از حج الاسلام کفایت می‌کند.
واژگان کلیدی: مال، مال حرام، تأثیر مال حلال، رابطه مال اخلاق.

* فارغ التحصیل سطح چهار (z. mosavi22@gmail.com).

** فارغ التحصیل سطح چهار (ahrahimi@gmail.com).

مقدمه

رابطه مال با اخلاق و رفتار انسان (جسم و روح)

از منظر اسلام طریقه به دست آوردن مال که سرانجام به لقمه و غذا تبدیل می‌شود، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و عدم توجه به این امر عواقب بسیاری را به همراه دارد.

در روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

لِيَجِيَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَجِبَالِ تِهَامَةَ فَيُؤَمَّرُونَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَقِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! مُصَلُّونَ؟ قَالَ: كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيَأْخُذُونَ وَهَنًا مِنْ اللَّيْلِ لِكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَاحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَتَبَّوْا عَلَيْهِ (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷:

۲۹۵)؛ در روز قیامت اقوامی با داشتن حسنات بسیار، به اندازه کوه‌های مکه، می‌آیند و امر می‌شود که به آتش افکنده شوند. برخی به رسول خدا ﷺ عرض می‌کنند: یا رسول الله! آیا این افراد نمازگزار بودند؟ حضرت می‌فرماید: آری، نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاره‌ای از شب را به عبادت مشغول بودند؛ لکن هرگاه بر اینان چیزی از دنیا پیدا می‌شد، خود را بر آن می‌افکندند.

نیاز به مال از جمله امور فطری و غریزی انسان است. آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این است که این نیاز چگونه و از چه راهی برآورده می‌شود؟ چرا که تاریخ نشان می‌دهد این نیاز و عواملی که رسیدن به آن را میسر می‌سازد، سرنوشت بسیاری از افراد را تغییر داده است. گاه به اصطلاح «خوردن یک لقمه نان» است که افراد را به خضوع در برابر اربابان زر و زور وا می‌دارد، که گاهی تا سرحد پرستش در مقابل آن‌ها کرنش می‌کنند. دین مبین اسلام، همانند ادیان گذشته، پیروان خویش را به تأثیرات شگرف مال در زندگی انسان آگاه ساخته است، مسئله‌ای که امروزه نیز برخی انسان‌ها از آن غفلت نموده‌اند.

امیرالمؤمنین به کمیل فرمود:

إِنَّ اللِّسَانَ يَنْزَحُ مِنَ الْقَلْبِ وَالْقَلْبُ يَقُومُ بِالْعِذَاءِ فَانظُرْ فِيمَا تُغَدِّي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۶/۲۱۷)؛ ای کمیل، زبانت هرچه می‌گوید بر اثر قلبت است. یعنی هر خاطره‌ای در ذهنت است آن خاطره را به زبان می‌آوری. چیزهایی که از قلبت صادر می‌شود، بخاطر غذایی است که می‌خوری. غذا در روح و روح در بیان اثر دارد.

اینها به یکدیگر وصل هستند. لقمه حرام سر چشمه همه گناهان هست. چنان که قرآن می فرماید: «وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرَجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف: ۵۸) زمین خبیث تیغ بیرون می دهد. زمین خوب میوه های خوب بیرون می دهد. یعنی وقتی از درون خراب شد، اعمال هم از بیرون اثر دارد. عمرو عاص به امام حسین گفت: خیلی ریش هایت خوب است. چرا ریش های من به این خوبی نیست؟ امام حسین فرمود: «وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرَجُ إِلَّا نَكِدًا» قرآن می گوید: زمین طیب حاصلش خوب است و زمین خبیث حاصلش تیغ است. ذات تو هم خبیث است.

تعریف مال

مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند. بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس مستقیماً نیاز انسان ها را رفع کنند و لذا مالیت و ارزش آن ها واقعی است؛ و دسته دیگر مستقیماً رفع نیاز نمی کنند، ولی وسیله رفع نیاز هستند، مانند پول که به خودی خود رافع نیازی نیست، بلکه با اموال دیگر مبادله می شود و به واسطه آن ها رفع نیاز می کند و ارزش اعتباری دارد. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

امام خمینی نیز در تعریف مال می گویند: «چیزی که تقاضا شود و عقلاً بدان میل و رغبت کنند و در برابر آن بها پردازند». (لنکرانی، بی تا: ۲/۳۲۷؛ امام خمینی، بی تا: ۱۱) بر اساس آنچه از فرمایشات فقها به دست می آید مال دارای پنج ویژگی است؛ منفعت دارد، مورد رغبت است، کمیابی نسبی دارد، قابلیت اختصاص دارد و منافعش از نظر شرعی حرام نیست.

تعریف مال حلال

واژه حلال به معنای جایز و روا است. مال حلال، مالی که از راه های مشروع و در چهارچوب قوانین شرع کسب شده باشد. مثلاً در ضمن معامله شرعی، تجارت یا از راه کار و تلاش که حاصل دست رنج انسان باشد. همچنین امام رضا علیه السلام از مفهوم حلال، تفسیری ارائه کرده و هر چیزی را که برای بدن مقوی و مفید باشد، حلال دانسته و فرموده اند: «خدای متعال هیچ خوردنی و آشامیدنی را مباح قرار نداده، مگر اینکه منفعت و صلاحی در آن باشد و هیچ چیز را

حرام نفرموده، مگر اینکه در آن زیان، تلف و فساد باشد؛ پس هر چیز سودمندی که به تن قوت دهد و بر نیروی بدن بیفزاید حلال است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۶/۶۲).

مال حلال و تأثیراتی بر زندگی دنیوی و اخروی در پی دارد که می‌توان آن‌ها را با وضوح و تأکید قابل توجه‌ای در آیات و روایات و کلام بزرگان مشاهده کرد. در ذیل به تعدادی از آثار مال حلال اشاره می‌شود.

تأثیر مال حلال در زندگی انسان

مال حلال، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در زندگی فردی و اجتماعی بشر مطرح می‌شود، به دلیل اینکه انسان از ابتدا با آن رشد می‌کند و تا آخر عمر نیز با آن سر و کار دارد، از این رو آثار و فواید مهم و متعددی دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. گرامی شدن نزد خداوند

یکی از آثار فردی مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود گرامی شدن نزد خداوند است. در آیات و روایات بسیاری به این مطلب اشاره شده است که بنده با شرایطی در نزد خداوند محبوب و گرامی است. یکی از این راه‌ها برای گرامی بودن نزد خداوند، طلب روزی حلال است. حال چه بنده به این روزی دست پیدا کند و چه با تلاش‌های بسیار دست پیدا نکند در هر صورت در نزد خداوند محبوب و گرامی خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: بنده، آن زمان نزد خدا گرامی‌تر است که درصده کسب درهمی حلال برآید و نتواند به آن دست یابد (ری شهری، بی‌تا: ۲۰۵۹).

۲. باز شدن درهای بهشت

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه آخرت فرد می‌شود، باز شدن درهای بهشت است. طبق فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر که از دسترنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به رویش گشوده شود و از هر در که خواهد وارد شود (مجلسی، همان: ۶/۲۳).

۳. مال حلال و برکت

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیای فرد می‌شود، برکت در مال است. پیامبر درباره کسی که بر اثر خستگی از کار برای روزی حلال به خواب می‌رود. فرمود: کسب روزی حلال و داشتن درآمدی که با تلاش و زحمت به دست می‌آید پربرکت بوده و آثار خیر آن در زندگی مشهود است.

۴. تقویت دین‌داری

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود، تقویت دین‌داری است. بر اساس آیات و روایات اسلامی کسب مال حلال یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تقویت دین‌داری شمرده شده است به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

لا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنَ الْحَلَالِ، فَإِنَّهُ وَ عَوْنُ لَكَ عَلَى دِينِكَ (حکیمی، ۱۴۳۲: ۶۵۰/۴؛ مجلسی، همان: ۱۲۸/۷۱-۱۳۷).

طلب روزی حلال را فرو نگذار، که روزی حلال، تو را در دین‌داری کمک می‌کند. از این روایت به دست می‌آید، کسانی که در اعتقاداتشان سست شده‌اند و در بسیاری از دستورات دینی سهل‌انگاری می‌کنند، این حالت ریشه در رزق و روزی آنان دارد، چنانچه اگر روزی، حلال بود انسان را بر فرامین الهی یاری می‌نمود.

۵. نورانیت دل و جان

یکی دیگر از ثمرات مال حلال در انسان، سبب روشنایی و نورانیت دل و جان آدمی می‌شود؛ زیرا فردی که خود را موظف به کسب روزی حلال می‌داند و آن را یکی از واجبات می‌شمارد و در راه به دست آوردن آن تلاش و کوشش فراوان می‌کند، در اعمال دیگر خود نیز وسواس بیشتری به خرج می‌دهد، از این رو هم اعمال او مورد درگاه خداوند قرار می‌گیرد و هم به سبب روزی حلال، خداوند دل و جانش را روشنایی می‌بخشد.

قال النبی صلی الله علیه و آله: «من اکل الحلال اربعین یوما نور الله قلبه» (مجلسی، همان: ۳۲۶/۵۳؛ ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۱۵۳).

هر کس چهل روز از مال حلال استفاده کند، خداوند قلب او را روشن می‌کند.

قال علی علیه السلام: «ضیاء القلب من اكل الحلال» (نثر اللالی، طبرسی، بی تا: ۸۲)

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید:

مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ فِي الدُّنْيَا اسْتَعْفَا عَنْ النَّاسِ وَ تَوَسَّيْعاً عَلَى أَهْلِهِ وَ تَعَطُّفاً عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؛ هر کس برای حفظ آبروی خود در میان مردم، تلاش برای خانواده و نیکی به همسایه ها در جستجوی رزق حلال باشد خدا را در حالی ملاقات می کند که چهره اش چون ماه شب چهاردهم باشد (کلینی، ۱۳۶۵: ۷۸/۵)

داستانی شگفت از اثر حلال خواری و نورانیت دل و جان

مرحوم علامه طهرانی می گوید:

دوستی داشتم از اهل شیراز به نام حاج «مؤمن» که به رحمت ایزدی واصل شده است، مرد بسیار روشن دل، با ایمان و با تقوایی بود و با او عقد اخوت بسته بودم. می گفت؛ مکرر خدمت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام رسیده ام و مطالب بسیاری را از ایشان نقل می کرد و از بعضی هم ابا می نمود. از جمله اینکه می گفت: یکی از ائمه جماعات شیراز روزی به من گفت؛ بیا با هم به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برویم، یک ماشین در بست اجاره کرد و برخی از تجار نیز در معیت او بودند، حرکت نموده به شهر قم رسیدیم و در آنجا یکی دوشب برای زیارت حضرت معصومه علیه السلام توقف کردیم و برای من حالات عجیبی پیدا می شد و ادراک بسیاری از حقایق را می نمودم، یک روز عصر در صحن مطهر آن حضرت به یک شخص بزرگی برخورد کردم و وعده هایی به من داد.

به تهران رسیدیم و سپس به طرف مشهد مقدس راه افتادیم از نیشابور که گذشتیم، دیدیم مردی عامی در حالی که فقط یک خورجین داشت از کنار جاده به طرف مشهد می رود، اهل ماشین گفتند، این مرد را سوار کنیم ثواب دارد.

ماشین توقف کرده من و چند تن از دوستانم پیاده شدیم و از او خواهش کردیم سوار ماشین ما شود، قبول نمی کرد تا بالاخره پس از اصرار زیاد حاضر شد سوار شود، به شرط آن که کنار من بنشیند و هرچه بگویم مخالفت نکنم.

سوار شد و کنار من نشست در تمام راه برای من صحبت می‌کرد و از وقایع بسیاری خبر می‌داد و آنچه را که در آینده تا زمان مرگم برایم پیش می‌آید گفت؛ من از اندرزهای او بسیار لذت می‌بردم و آشنایی با چنین شخصی را از موهبت پروردگار و ضیافت حضرت رضا علیه السلام دانستم، کم‌کم رسیدیم به قدم‌گاه به موضعی که شاگرد شوfer از مسافریین گنبدنما می‌گرفتند.

* رنگ و طعم غذای حلال و حرام

همه پیاده شدیم، موقع ظهر بود خواستم بروم و با رفقای شیرازی خود، مثل گذشته بر سر یک سفره ناهار بخورم گفت؛ آنجا مرو، بیا با هم غذا بخوریم، من خجالت کشیدم که پیش رفقای شیرازی بروم، زیرا پیوسته در کنارهم غذا می‌خوردیم، ولی چون ملزم شده بودم از حرف‌های او سرپیچی نکنم، به ناچار با آن مرد موافقت کردم، گوشه‌ای رفتیم و نشستیم از خورجین خود، سفره‌ای بیرون آورد، نان تازه در آن بود با کشمش سبز، شروع به خوردن کردیم برایم آن نان و کشمش بسیار لذت‌بخش بود، پس از این‌که هر دو سیر شدیم گفت؛ حالا می‌خواهی به رفقای خود سر بزنی و تفقدی کنی عیبی ندارد، من برخاستم و به سراغ آنها رفتم و دیدم کاسه‌ای که مشترکاً از آن غذا می‌خورند، پر از خون است و دست و دهان آنها به خون آلوده شده و خود اصلاً متوجه نیستند که چه می‌خورند، هیچ نگفتم چون مأمور به سکوت در همه احوال بودم نزد آن مرد بازگشتم گفت؛ بنشین دیدی رفقاییت چه می‌خورند؟ تو هم از شیراز تا اینجا غذایت از همین چیزها بوده، اما تا به حال نمی‌دانستی، غذای حرام و مشتبّه چنین رنگ و طعمی دارد در مهمانسرا و آشپزخانه‌های بین راه غذا مخور، غذای بازار کراحت دارد.

در ادامه گفت: حاج مؤمن وقت مرگ من رسیده، من از این تپه بالا می‌روم و آنجا می‌میرم، این دستمال بسته را بگیر، در آن پول است، صرف غسل و کفتم کن، و هر جا که آقا سید هاشم صلاح بداند (آقای سید هاشم همان امام جماعت شیرازی بود که در معیت او به مشهد آمده بودند) همانجا دفن کن. گفتم: ای وای! تو می‌خواهی بمیری! گفت: ساکت باش من می‌میرم و این را به کسی نگو.

سپس رو به مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام ایستاد و سلام عرض کرد و بسیار گریه کرد و گفت: تا اینجا به پابوس آمدم، ولی سعادت بیش از این نبود که به کنار مرقد مطهرت مشرف شوم.

از تپه بالا رفت و من حیرت زده و مدهوش بودم، گویی زنجیر فکر و اختیار از کفم بیرون رفته بود، به دنبال او از تپه بالا رفتم دیدم به پشت خوابیده و پاهایش را رو به قبله دراز کرده و با لبخند جان داده است، گویی هزار سال است که مرده است. از تپه پایین آمدم و به سرعت رفتم پیش آقای سید هاشم و سایر رفقا و داستان را گفتم، خیلی تأسف خوردند و مرا مواخذه کردند که چرا به ما نگفتی و از این اتفاقات مطلع نمودی؟

گفتم: خودش دستور داده بود و اگر می دانستم که بعد از مردنش نیز راضی نیست، حالا هم نمی گفتم راننده ماشین و شاگرد حضرت آقا و سایر همراهان تأسف خوردند و همه با هم به بالای تپه آمدم و جنازه او را پایین آورده و داخل ماشین قرار دادیم، و به سمت مشهد رهسپار شدیم.

حضرت آقا می فرمودند: حقاً این مرد یکی از اولیای خدا بود که خدا مشرب صحبتش را نصیب تو کرد و باید جنازه اش با احترام دفن شود.

وارد مشهد شدیم، حضرت آقا مستقیم به حضور یکی از علما رفت و این واقعه را توضیح داد، آن مرد عالم با جماعتی بسیار آمدند، جنازه را غسل داده و کفن نمودند و بر او نماز خواندند و در گوشه ای از صحن مطهر دفن کردند و من مخارج را از دستمال می دادم، چون از دفن فارغ شدیم، پول دستمال نیز تمام شد، نه یک شاهی کم و نه یک شاهی زیاد، مجموع پول آن دستمال دوازده تومان بود. (علامه طهرانی، ۱۳۷۴: ۱/۱۰۰ تا ۱۰۴)

۶. مورد حمایت و محبوب خداوند

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می شود، محبوبیت و مورد حمایت خداوند است. کسی که کسب و کار مشروع و حلال دارد و از این راه طلب روزی حلال می کند، در حفظ و حمایت خداوند قرار دارد و از عنایات ویژه خدای تعالی برخوردار می شود. در

حدیث قدسی آمده است که خداوند به پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «ای احمد! عبادت ده جزء باشد، نُه جزء آن طلب روزی حلال است، پس هرگاه غذا و نوشیدنی تو حلال شد، تو در حفظ و حمایت من هستی» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۷/۲۶).

بنده با شرایطی در نزد خداوند محبوب و گرامی است. یکی از این راه‌ها برای گرامی بودن نزد خداوند، طلب روزی حلال است. حال چه بنده به این روزی دست پیدا کند و چه با تلاش‌های بسیار دست پیدا نکند در هر صورت در نزد خداوند محبوب و گرامی خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «بنده، آن زمان نزد خدا گرامی‌تر است که درصدد کسب درهمی حلال برآید و نتواند به آن دست یابد» (ابن همام اسکافی، بی‌تا: ۴۵).

۷. استجاب دعا

یکی دیگر از آثار فردی مال حلال که متوجه دنیای فرد می‌شود، استجاب دعا است. استجاب دعا دارای شرایط و مقدمات بسیاری است یکی از آنها پاک کردن مال از هر گونه شبهه و حرامی است. لذا با پاک و حلال بودن مال، دعای آدمی به مرحله استجاب می‌رسد. یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ از آن حضرت در خواست کرد که خدای تعالی او را مستجاب الدعوة کند، حضرت به او فرمود: خوراک خود را پاک کن تا دعایت مستجاب شود (مجلسی، همان: ۱۹۰/۳۷۳). مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد دوست دارم دعایم مستجاب شود، حضرت فرمودند: «طَهَّرْ مَا كَلَكَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ» (حر عاملی، ۱۴۰۷: ۱۴/۴۶۷)

غذای خود را پاک کن و از هر گونه غذای حرام بپرهیز

در حدیث دیگر فرموده است:

هرگاه کسی بخواهد دعایش مستجاب شود، بکوشد که کسب و کارش را حلال و پاک سازد و از مظالم مردم بیرون آید؛ زیرا دعای بنده پیش خدا بالا نمی‌رود، در صورتی که در شکمش، حرام یا به گردنش، مظلومه‌ای از مردم باشد. هر کس غذای حلال بخورد، قلبش صاف و رقیق می‌شود و اشکش جاری می‌شود و حجایی برای دعایش نیست (طریحی، بی‌تا: ۳۵۳/۵).

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه یکی از شما بخواهد، دعایش مستجاب شود باید کسب خود را پاک کرده، از عهده حقوق مردم خارج شود و همانا خدا، دعای بنده‌ای که در شکمش لقمه حرام باشد یا حقی از بندگان خدا نزدش باشد، قبول نمی‌کند (مجلسی، همان: ۳۲۱/۹۰).

از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که غذای ناپاک و حرام، باعث قساوت و تاریکی قلب می‌شود؛ به همین دلیل، دعای حرام‌خواران مستجاب نمی‌شود. از اینجا به رابطه نزدیکی که در میان ناپاکی درون و تغذیه حرام وجود دارد، می‌توان پی برد.

۸. توفیق الهی بر انجام اعمال صالح

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیای فرد می‌شود، توفیق بر انجام اعمال صالح است. قال الله الحکیم: «یا ایها الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» (مؤمنون: ۵۱)؛ ای فرستادگان! از غذاهای پاک بخورید و عمل صالح انجام دهید.

اذکر این دو (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح) پشت سر یکدیگر دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به این است که غذاهای مختلف آثار اخلاقی متفاوتی دارد، غذای حلال و پاک، روح را پاک می‌کند و سرچشمه عمل صالح می‌شود و غذاهای حرام و ناپاک روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴۵/۹؛ حقی بروسوی، بی تا: ۸۷/۶ - ۸۸)؛ بنابراین، رابطه نزدیکی میان تغذیه حلال و حرام و ظهور اعمال صالح و بد و روحیات و اخلاقیات وجود دارد. درآمدهای نامشروع و حرام با نوعی رذالت و سرافکنندگی همراه است، توفیق بسیاری از عبادت‌ها را از انسان سلب می‌کند؛ اما کسب و کار و رزق مشروع و حلال زمینه‌های وارستگی و توفیق الهی را فراهم می‌آورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از مایه‌های توفیق و موفقیت آزاد مرد، این است که مال حلال را به دست آورد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۲۲). گفته‌اند: «طاعت خزانه حق تعالی است و کلید وی دعاست و دندانه‌های وی لقمه حلال است». (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۶۸/۱)

قال الصادق علیه السلام: ان قریشا فی الجاهلیه هدموا البیت فلما ارادوا بناءه حیل بینهم و بینة و القی فی روعهم الرعب حتی قال قائل منهم لیاتی کل رجل منکم باطیب

است، بلکه همین اندازه می‌دانیم که طبق آیات و روایات، یکی از عوامل زمینه‌ساز پاکی یا زشتی اخلاق و کردار، هم از نظر نوع غذاها و هم از نظر حلال و حرام بودن آنها تغذیه است.

۹. برخورداری از مقام مجاهد در راه خدا

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه آخرت فرد می‌شود، برخورداری از مقام مجاهد در راه خدا است. کارگر زحمتکش که در پی کسب مال حلال است، در فرهنگ اسلام از مقام و منزلت ویژه‌ای برخوردار است و تلاش و کوشش او، همچون جهاد در راه خدا قلمداد شده است؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «طلب حلال، نوعی جهاد است» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۲۸).

همچنین می‌فرمایند:

قال النبي ﷺ «الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

(مجلسی، همان: ۱۷/۱۰۰)؛ کسی که به خاطر خداوند در جستجوی روزی حلال از مکانی به مکان دیگر مسافرت می‌کند مانند رزمنده‌ای است که در راه خدا جهاد می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که تلاش و کوشش برای

خانواده می‌کند (در کسب روزی حلال) مانند مجاهد در راه خدا است (کلینی،

۱۳۶۵: ۸۸/۵)

امام رضا علیه السلام:

الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (حر

عاملی، ۱۴۰۹: ۶۷/۱۷)؛ کسی که دنبال روزی می‌رود تا آبروی خود و خانواده اش را

حفظ کند، اجر و پاداشش از رزمنده‌ای که در راه خدا جنگ می‌کند بیشتر است (عرق

کارگر معادل خون شهید است).

۱۰. افزایش رزق

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیای فرد می‌شود، افزایش رزق است. گاهی بر اثر چشم

پوشی از مال حرام، چندین برابر آن از حلال به او خواهد رسید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در میان بنی اسرائیل مردی عبادت‌پیشه و نیازمند بود. همسرش به وی اصرار می‌کرد که

در پی روزی رود، اما او از خداوند طلب روزی می‌کرد. در خواب دید [که از او می‌پرسند]: «کدام یک برایت دوست‌داشتنی‌تر است؛ دو درهم مال حلال یا دو هزار درهم مال حرام؟» گفت: «دو درهم مال حلال». گفت: «زیر سرت نهفته است». بیدار شد و زیر سرش دو درهم دید. آنها را برداشت و با یکی ماهی‌ای خرید و به سوی خانه رفت. وقتی همسرش او را دید، به سرزنش وی پرداخت و سوگند خورد که به آن ماهی دست نزنند. مرد، خود، برخاست و چون شکم ماهی را درید، دو گوهر در آن یافت و آنها را به چهل هزار درهم فروخت (حر عاملی، همان: ۴۵۳/۲۵).

رزق حلال و طیب؛ یعنی هر چه انسان از آن برداشت کند هیچ چیز از آن کم نشود. رزق به صرف دویدن حاصل نمی‌شود؛ و برکت نیز به زیاد پول درآوردن و این قبیل موضوعات نیست! بلکه به نوع ایمان، عمل صالح و تقواست.

۱۱. اولاد صالح

یکی دیگر از آثار فردی روزی حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود، اولاد صالح است. پاکیزه‌ترین خوراک انسان از راه درآمد و کسب حلال او است و بداند که نسل و اولاد او نیز نتیجه همین کار و کسب او خواهند بود (قضاعی، همان: ۳۶۰).

۱۲. استغفار فرشته‌ها برای حلال خواران

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود، استغفار فرشته‌ها برای او است. قال رسول الله ﷺ: **مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ أَكْلِهِ** (مجلسی، همان: ۳/۳۱۴)؛ کسی که از مال حلال می‌خورد فرشته‌ای بالاسر او می‌ایستد و برای او استغفار می‌کند تا وقتی که فارغ از خوردن شود.

۱۳. تکامل انسان با مال حلال

یکی دیگر از آثار فردی مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود، تکامل انسان است. در حکمت ۱۲۳ مولای متقیان علی علیه السلام به چند مورد از خصوصیات انسان کامل اشاره شده است؛ در قسمت اول این حکمت به موضوع تواضع و فروتنی اشاره شد و در این مطلب به

موضوع «روزی حلال» و «دور نگه داشتن نیت از بدی‌ها و آراسته بودن به خلق و خوی نیکو» از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازیم:

طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَطَابَ كَسْبُهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَحَسُنَتْ حَلِيفَتُهُ
خوشا به حال کسی که نفس را به فروتنی وادارد، (و کسبش پاک و شایسته و نیتش
پسنندیده و خلق و خویش نیکو باشد).

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام یکی از ویژگی‌هایی که برای پارسایان بیان می‌کنند، تلاش برای روزی حلال است. در نظام اقتصادی اسلام، آن چیزی که بیش از هر چیز اهمیت دارد حلال بودن کسب و کار است؛ یعنی به دست آوردن مال از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد. از این رو قرآن، جمع مال از راه‌های غیر مشروع را ممنوع ساخته است.

۱۴. آمرزش گناهان

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه آخرت فرد می‌شود، آمرزش گناه انسان است. در روایات، از طلب روزی حلال به‌عنوان یکی از اسباب آمرزش گناهان یاد شده است. خدای متعال با اسباب مختلفی گناهان انسان را می‌بخشد که توبه، شفاعت، عبادات، ولایت اهل بیت علیهم السلام، خدمت به مردم و... از این اسباب هستند و یکی از این سبب‌ها طلب روزی حلال است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر اثر طلب [روزی] حلال، شب را خسته و رنجور سپری کند، شب را با گناهان آمرزیده، به صبح رسانده است» رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: «مَنْ بَاتَ كَالاً مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُوراً لَهُ (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۷/۴)؛ کسی که شب را از خستگی طلب حلال بخوابد، آمرزیده خوابیده است».

خداوند متعال چنین انسانی را که برای به‌دست آوردن لقمه حلال زحمت می‌کشد، دوست دارد؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَباً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛ (همان)؛ خداوند دوست دارد بنده‌اش را در زحمت طلب حلال ببیند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگر می‌فرماید: هر که روزی حلال خورد، فرشته‌ای به فرمان خدا بر سر وی بایستد و برایش آمرزش خواهی کند، تا از خوردن فارغ آید (قمی، ۱۳۷۳: ۱۹۸).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آمرزش گناهان:

إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكَفِّرُهَا
قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۱۳)؛ بعضی از گناهان به وسیله
نماز و صدقه هم آمرزیده نمی‌شوند. سؤال شد یا رسول الله! پس چه چیز موجب
آمرزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت.

۱۵. رشد معنوی انسان‌ها

یکی دیگر از آثار مال حلال که متوجه دنیا و آخرت فرد می‌شود رشد معنوی انسان است.
قرآن مجید در سوره قصص، داستان کودکی موسی عَلَيْهِ السَّلَام را بیان می‌کند و می‌فرماید: «ما از قبل
شیر همه زنان شیرده را بر او حرام کرده بودیم، خواهرش گفت: آیا می‌خواهید شما را به خاندانی
راهنمایی کنم که سرپرست این کودک باشند؟ خانواده‌ای که خیرخواه این کودک‌اند» (قصص: ۱۲).
این آیه کریمه گرچه به ظاهر می‌خواهد بفرماید ما شیر زنان شیرده را بر موسی عَلَيْهِ السَّلَام حرام
کردیم تا از این طریق او را به مادرش برگردانیم، ولی پیام باطنی دیگری هم دارد که جناب
موسی عَلَيْهِ السَّلَام اگر بایست در آینده صاحب ید بیضا گردد و بساط فرعون و فراعنه را برچیند و با
خدای خود در کوه طور سخن بگوید، لازم است از سینه پاک‌ی شیر خورده باشد و از همان
ابتدا لقمه حلال در دهانش گذاشته شود.

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده، رابطه بین مال حلال و زندگی دنیوی و اخروی و تأثیر آنها بر
یکدیگر از نظر آیات و روایات

مال حلال آثار ذیل را در زندگی دنیوی و اخروی دارند. گرامی شدن نزد خداوند، باز شدن
درهای بهشت، برکت در مال، تقویت دینداری، نورانیت دل و چهره، مورد حمایت خداوند،
استجاب دعا، توفیق الهی بر انجام اعمال صالح، برخورداری از مقام مجاهد، افزایش رزق،
اولاد صالح، استعفار فرشتگان برای حلال خوردن، تکامل انسان، آمرزش گناهان و رشد معنوی.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق ثانی، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲.

ابن حیون، نعمان بن محمد، **دعائم الإسلام**، مصحح: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۳۸۳ق.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، **عدة الداعی**، مصحح موحدی قمی، احمد، قم، دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۰۷ق.

بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین، **معادشناسی**، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۷۴.
حکیمی، علی، **محمد رضا و حکیمی**، محمد و حکیمی، **الحیة**، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، موسسه فرهنگی دارالحديث، بی تا.
شیخی، طبرسی، فضل بن حسن، **نثر اللآلی**، ترجمه شیخی، حمید رضا، محقق / مصحح: محمد حسن زبری قاینی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴.
فاضل لنکرانی، محمد جواد، **مکاسب محرمة**، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهشی، ۱۳۹۶.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **الوافی**، محقق: علامه ضیاء الدین، اصفهان، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.

قضاعی، محمد بن سلامة، **شرح فارسی شهاب الأخبار**، محقق / مصحح: حسینی أرموی (محدث)، جلال الدین، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.

قمی، عباس، **سفینه البحار**، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، **شرح فروع الكافی**، محقق: محمد حسین درایتی، قم،

- مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸.
- متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث، ۱۴۰۳ق.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه
ها (سمت)، ۱۳۸۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث،
۱۴۰۸ق.
- ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعة ورام، قم، مکتبه فقیهه، ۱۴۱۰ق.

